

پیدا شدن ۲ جسد زیر درخت خرمالو

جسد دو مرد جوان که با یکصد ضربه چاقو هدف قرار گرفته بودند، زیر درخت

خرمالویی در باغی در غرب تهران پیدا شد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۶ عصر روز جمعه ۲۵ تیرماه قاضی ایلخانی، باز پرس ویژه قتل داسرای جنایی تهران با تماس مأموران کلانتری کن از کشف دو جسد در باغی حوالی کن و سولقان با خبر و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. تیم جنایی در نخستین گام در محل حادثه با جسد دو مرد ۲۶ و ۲۹ ساله به نام‌های آیدین و مه‌ران زیر درخت خرمالویی روبه‌رو شد که با اصابت بیش از یکصد ضربه چاقو به قتل رسیده بودند. مأموران همچنین در بازرسی بدنی اجساد از داخل جوارب آنها مقداری مواد مخدر کشف کردند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که محل حادثه پاتوق خلاکاران و خرده‌فروشان مواد مخدر است. پزشکی قانونی در معاینات اولیه اعلام کرد از مرگ دو مرد جوان حدود ۲۴ ساعت گذشته است و دو مقبول بر اثر شدت خونریزی پس از اصابت چاقو به بدنشان به پرتگاه مرگ رفته‌اند. همچنین مشخص شد خبر کشف اجساد رازن کارتن خواب معنادی به مأموران پلیس خبر داده است. زن معتاد گفت: این محل پاتوق افراد معتاد و خلافکار است و من هم به این پاتوق رفت و آمد دارم. ساعتی قبل وقتی از این مکان در حال عبور بودم متوجه اجساد خونین این دو نفر زیر این درخت شدم و بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم. مأموران پلیس پس از شناسایی اجساد، با توجه به کشف مواد مخدر از آنها احتمال دادند دو مرد جوان در درگیری دسته‌جمعی موادفروشان و خلافکاران به قتل رسیده‌اند. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، اجساد به دستور قاضی ایلخانی برای آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. مأموران در تلاشند تا پس از شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان قتل دو مرد جوان، راز این حادثه هولناک را بر ملا کنند.

قتل در پاتوق خلاکاران

دو پسر جوان که مرد معتادی را در پاتوق خلاکاران به قتل رسانده بودند، دستگیر شدند و سه قتل اعتراف کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح دیرروز قاضی مرادی، باز پرس ویژه قتل داسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک کویعصر از قتل مرد جوانی با خبر و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد.

تیم جنایی در نخستین گام در محل حادثه که مغازه مترو که‌ای حوالی پلی بهاران بود با جسد خونین مرد ۳۷ ساله‌ای روبه‌رو شدند که با چند ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که محل حادثه پاتوق خلاکاران است و مقول هم که معتاد به مواد مخدر بوده، مدتی است به این مکان رفت و آمد دارد. پزشکی قانونی در نخستین معاینات در محل حادثه اعلام کرد، مقول که حدود چهار روز از فوتش گذشته‌با ضرات متعدد چاقو به قتل رسیده است.

مأموران در بررسی‌های میدانی در یافتند روز حادثه مقول همراه دو پسر جوان معتاد به نام‌های شایان و کامران در این مکان دیده شده است. یکی از شاهدان گفت: مدتی است که مقول به این مکان رفت و آمد دارد. او معتاد بود و در این مکان مواد مصرف می‌کرد. چند روز قبل او همراه دو پسر جوان به نام‌های کامران و شایان وارد این مغازه مخروبه شد. از آن روز به بعد از او خبری نداشتیم تا اینکه امروز وقتی وارد این مخروبه شدم با جسد او روبه‌رو شدم و بلافاصله با پلیس تماس گرفتم. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان دو پسر جوان را به عنوان مظنونان این حادثه تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه ساعتی بعد مأموران موفق شدند آنها را در یکی از خیابان‌های جنوب شهر شناسایی و بازداشت کنند. متهمان پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها به قتل مرد معتاد اعتراف کردند. کامران در ادعایی گفت: من و شایان هر دو معتاد هم مواد مخدر هستیم. مدتی است برای مصرف مواد به مغازه مترو که رفت و آمد داریم، روز حادثه همراه مقول برای مصرف مواد به این پاتوق رفتیم. در حال مصرف مواد بودیم که متوجه شدیم مقول نیت شومی در سر دارد. او قصد داشت ما دو نفر را مورد آزار و اذیت قرار دهد که با چاقو به او حمله کردیم و با چند ضربه او را به قتل رساندیم. پس از این همین دلیل از تهران فرار نکردیم.

متهمان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی مرادی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۶۹۸۴۳۵

قاتل: زن ۱۶ ساله‌ام

همه‌اش سر در موبایل داشت!

مجردی اجاره کردم تا اینکه چهار ماه قبل با پروین آشنا شدم و پیشنهاد ازدواج دادم. پس از این، مراسم کوچکی برگزار کردیم و پروین به عقد من در آمد. ما ابتدا زندگی شیرینی داشتیم و قرار بود به زودی مراسم عروسیمان را برگزار کنیم، اما این شیرینی زیاد دوام نیاورد و خیلی زود پس از گذشت دو ماه از عقدمان اختلافات ما شروع شد. پروین عضو چندین شبکه اجتماعی شده بود و هر روز از طریق شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتس‌آپ و اینستاگرام مشغول چت با افراد مختلف بود به طوری که دیگر فرصتی برای حرف زدن با من نداشت. خیلی خیلی تلاش کردم تا او را قانع کنم که از تباطش را با شبکه‌های اجتماعی قطع کند، اما فایده‌ای نداشت. انکار پروین معتاد به این شبکه‌ها شده بود. حتی موضوع را هم به خانواده‌اش گفتم، اما باز هم فایده نداشت. پس از این تصمیم گرفتم از او جدا شوم ولی با میانجیگری بستگانی بی‌خیال طلاق شدم.

وی ادامه داد: روز جمعه به مراسم ختم مادر بزرگ نامزد هم رفتم و بعد از مراسم دو نفری با خودروام ساعتی در خیابان‌ها چرخیدیم تا اینکه از رستورانی دو تا پیتزا خریدیم و به خانه من آمدم.

پروین حتی موقع شام خوردن هم در حال چت

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح دیرروز، مرد جوانی به کلانتری ۱۲۴ قلهک رفت و گفت همسر نوجوانش را با ضربات آجر به قتل رسانده است. وی در حالی که گریه می‌کرد، مدعی شد همسرش را در خانه مجردی خود حوالی خیابان دامپزشکی به قتل رسانده و الان پشیمان شده است. بعد از آن بود که مأموران موضوع را به قاضی مرادی، باز پرس ویژه قتل داسرای جنایی اطلاع دادند و لحظاتی بعد باز پرس برای بررسی موضوع همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شد. تیم جنایی در محل حادثه که اتاق خواب خانه کوچکی در طبقه سوم ساختمان مسکونی حوالی خیابان دامپزشکی بود با جسد خونین تازه عروس ۱۶ ساله‌ای به نام پروین روبه‌رو شد.

بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت، پروین چند ساعت قبل با ضربات جسم سختی به سرش به قتل رسیده است. همچنین در تحقیقات بعدی مشخص شد محل حادثه خانه مجردی تازه داماد است که نامزدش هر چند روز یک بار به این خانه رفت و آمد داشته است.

متهم در نخستین بازجویی‌ها در محل حادثه گفت:

من کارگر هستم و این خانه را مدتی قبل به صورت

ناکامی موتورسوار برای ربودن پسر نوجوان

مرد موتورسوار که به اتهام تلاش برای ربودن پسر نوجوان بازداشت شده بود، اتهامش را انکار کرد.
مردی همراه پسر ۱۴ ساله‌اش به کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد رفت و از مرد موتورسورای به اتهام اقدام برای آدم‌ربایی شکایت کرد.

پسر نوجوان در توضیح ماجرا گفت: ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه همراه یکی از دوستان همکلاسی‌ام کنار خیابانی در حوالی نازی‌آباد در حال حرف زدن بودم که مردی مرا به اسبم صدا زد. وقتی به طرف صدا برگشتم، دیدم مرد ناشناسی حدوداً ۴۰ ساله سوار بر موتورسیکلت از من درخواست تا پیش او بروم. وقتی به او نزدیک شدم، متوجه شدم مرد موتورسوار خیلی عصبانی است به همین دلیل ترسیدم و به طرف مغازه سوپر مارکتی فرار کردم. پس از این مرد خشمگین مرا با موتورسیکلت تعقیب کرد تا اینکه به داخل مغازه رفتم و پشت یخچال آن مخفی شدم. اما صاحب مغازه مرا تحویل مرد موتور سوار داد. مرد آدم‌ریا محکم دست مرا گرفت و قصد داشت به زور مرا سوار موتورسیکلتش کند، اما من که به شدت وحشت کرده



کردن بود به طوری که من عصبانی شدم و دوباره به او تذکر دادم. آن شب تا ساعت ۳ بمداد بیدار بودیم و با هم حرف زدیم تا اینکه او به اتقاق خواب رفت و خوابید. خیلی عصبانی بودم، به طوری که کارها و رفتارهایش ذهنم را آشفته کرده بود. وقتی به اتاق خواب رفتم و چشمم به تلفن همراهش افتاد، بیشتر عصبانی شدم تا جایی که تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. در اوج عصبانیت تصمیم هواناکی را گرفتم و آجری را که از قبل در خانه‌ام بود، برداشتم و با آن چند ضربه به سر پروین زدم. همسرم غرق در خون شد و فوت کرد. خیلی پشیمان شدم و چند ساعت کنار جسدش گریه کردم تا اینکه ساعت ۷ صبح با خودروام از خانه بیرون آمدم. گیج و مهیوت داخل خیابان می‌چرخیدم تا اینکه به صورت اتفاقی به کلانتری قلهک رسیدم. خودروام را کنار خیابان پارک کردم و به داخل کلانتری رفتم و خودم را به مأموران معرفی کردم.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد به دستور قاضی مرادی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ و انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.



رفتن تا پای طناب دار به خاطر هیچ

مردی که هفت سال قبل در جریان نزاع مر تکب قتل شده و تا پای چوبه دار رفته بود، سرانجام موفق به جلب رضایت اولیای دم شد.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه روز بیست و دوم فروردین ماه سال ۸۸ بود که مأموران پلیس از نزاع دسته‌جمعی در خیابان فدائیان اسلام با خبر راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه در محل حادثه نشان داد لفظاتی قبل سه برادر جوان به نام‌های کامیار، بهرام و جعفر با دو پسر جوان دیگری که در جریان آن کامیار ۲۱ ساله با اصابت چاقوی یکی از طرفین به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران پلیس در یافتند کامیار در بیمارستان بر اثر شدت خونریزی فوت کرده است. با اعلام خبر قتل کامیار، پرونده وارد مرحله تازمائی شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کردند. تحقیقات میدانی حکایت از آن داشت عامل قتل، شهپاز است که با چاقو قلب مقول را هدف قرار داده و وی را کشته است. پدر مقول هم در تحقیقات، مدعی شد که ما باخواهه قاتل از قبل اختلاف داشتیم، روز حادثه به همین دلیل پسران من با شهپاز و پسر دایی‌اش، ولی،

بازداشت متهم به قتل

پس از این، مأموران پلیس شهپاز را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌های اولیه، قتل کامیار را انکار کرد و گفت: «ما از قبل با هم اختلاف داشتیم تا اینکه روز حادثه خانه پدرمزن بودم که صدای زنگ در نواخته شد. وقتی در را باز کردم مقول و سه برادرش روی من ریختند و مرا به شدت کتک زدند. به خاطر ضرب و جرح از هوش رفتم که بستگانی مرا به داخل خانه پدرمزن بردند و نفهمیدم چه کسی مقول را با چاقو زد.» این ادعای متهم در حالی بود که شاهدان زیادی اعلام کردند با چشمان خودشان دیدند که شهپاز در حالی که زیر دست مقول در حال کتک خورن بوده چاقویی در آورده و به قلب مقول زده است. بنابراین متهم دوباره مورد بازجویی تخصصی قرار گرفت.



تازه دامادی که همسرش را در خواب با ضربات آجر به قتل رسانده بود، ساعتی پس از حادثه خودش را به پلیس معرفی کرد. وی ادعا می‌کند، عضویت مقول در شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتس‌آپ و اینستاگرام انگیزه حادثه بوده است.



اشتباه پزشکی

مرگ کودک ۱۴ ماهه رارقم زد

آمیول بی‌حسی جان کودک امریکایی را در دندانپزشکی گرفت.
دیزی کودک ۱۴ ماهه و اهل نگزاس است که پس از مراجعه به دندانپزشک و پر کردن شنش دندانش جاش را از دست داد.

بررسی‌های پزشکی پس از کالبد شکافی نشان داد که تنها دلیل مرگ وی، اختلالات ناشی از آمیول بی‌حس کننده بوده‌است.

به گفته مادر دیزی، پزشک معالج به او هشدار داده بود که اگر هر چه سریع‌تر دندان‌های او را درست نکنند، آسیب‌های جدی و ماندگاری به دندان‌هایش وارد خواهد شد، اما اشتباه پزشکی در استفاده از مواد بی‌حس کننده و آن هم به مقدار زیاد، باعث مرگ کودک کم شد.

پس از آن چند شیشه عقب اتوبوس را شکستیم تا مسافران اتوبوس که حدود ۲۵ نفر بودند، خارج شوند.

خوشبختانه قبل از آنکه اتوبوس به صورت کامل آتش بگیرد، همه مسافران و راننده از اتوبوس خارج شدند، اما تعدادی از مسافران بر اثر عجله آسیب دیدند.



پس از این، مأموران پلیس شهپاز را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌های اولیه، قتل کامیار را انکار کرد و گفت: «ما از قبل با هم اختلاف داشتیم تا اینکه روز حادثه خانه پدرمزن بودم که صدای زنگ در نواخته شد. وقتی در را باز کردم مقول و سه برادرش روی من ریختند و مرا به شدت کتک زدند. به خاطر ضرب و جرح از هوش رفتم که بستگانی مرا به داخل خانه پدرمزن بردند و نفهمیدم چه کسی مقول را با چاقو زد.» این ادعای متهم در حالی بود که شاهدان زیادی اعلام کردند با چشمان خودشان دیدند که شهپاز در حالی که زیر دست مقول در حال کتک خورن بوده چاقویی در آورده و به قلب مقول زده است. بنابراین متهم دوباره مورد بازجویی تخصصی قرار گرفت.

پس از این، مأموران پلیس شهپاز را بازداشت کردند. وی در بازجویی‌های اولیه، قتل کامیار را انکار کرد و گفت: «ما از قبل با هم اختلاف داشتیم تا اینکه روز حادثه خانه پدرمزن بودم که صدای زنگ در نواخته شد. وقتی در را باز کردم مقول و سه برادرش روی من ریختند و مرا به شدت کتک زدند. به خاطر ضرب و جرح از هوش رفتم که بستگانی مرا به داخل خانه پدرمزن بردند و نفهمیدم چه کسی مقول را با چاقو زد.» این ادعای متهم در حالی بود که شاهدان زیادی اعلام کردند با چشمان خودشان دیدند که شهپاز در حالی که زیر دست مقول در حال کتک خورن بوده چاقویی در آورده و به قلب مقول زده است. بنابراین متهم دوباره مورد بازجویی تخصصی قرار گرفت.